

نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور

دکتر برزو فرهی بوزنجانی*

چکیده

در مهندسی فرهنگ شناخت دقیق نظام باورها و اعتقادات، نظام ارزش‌ها و نگرش‌ها و نظام رفتارها در سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگی اقدام و روابط منطقی بین اجزای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در حالی که مهندسی فرهنگی کشور یعنی بازطراحی وحدت‌بخش و هدفمند نظام فرهنگی مهندسی شده به عنوان یک نظام یکپارچه و واحد.

تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور مستلزم برخورداری از متدلوژی خاصی است که در آن مجموعه‌ای از روش‌ها، فنون و ابزارهای تحلیل و طراحی سیستم در چارچوب یک انگاره مدل‌سازی به کار بسته شوند. بر این اساس در این مقاله مدل ساختار ایستای تبیین فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور انتخاب و معرفی شده است. براساس این مدل فعالیت‌های اساسی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور مشتمل بر سه فعالیت اصلی است.

در هسته مرکزی مدل قرار گرفته و سایر فعالیت‌ها حول آن ساماندهی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

مهندسی فرهنگی، مهندسی فرهنگ، نقشه مهندسی فرهنگی، روش تبیین نقشه.

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

آینده یافتنی نیست بلکه ساختنی است. در واقع آینده جایی نیست که به آنجا می‌رویم بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. آینده امری است که جوامع می‌توانند با اقدامات هدفمند خود آن را طراحی کرده و شکل دهند. برای اینکه تمدن و جامعه‌ای نو بر اساس فرهنگ و ارزش‌های متعالی اسلام ساخته شود باید پنج مرحله را طی کرد.

مرحله نخست از میان برداشتن نظام و دولت و حاکمیتی است که پشتوانه تمدن و جامعه کهنه است. مقام معظم رهبری در این رابطه فرمودند: «قدم اول که پرهیجان‌تر و پرسروصداتر از همه است ایجاد انقلاب اسلامی است.» (۱۳۸۱/۶/۱۲). «در حقیقت یک تحول بنیادین براساس یک سلسله ارزش‌ها.» (۱۳۷۹/۲/۲۳)

مرحله دوم جایگزین و مستقر نمودن نظام و حاکمیتی است که با فرهنگ و ارزش‌های متعالی اسلام سازگار باشد. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند: «قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است. ایجاد نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی شود.» (۱۳۸۰/۹/۱۲) این مرحله با تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و فرایند جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی مشروعیت یافت. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «منشور اصلی جمهوری اسلامی که (همان) قانون اساسی مرقی و جامع ما است.» (۱۳۷۷/۱۲/۳)

مرحله سوم ساختن دولتی سازگار با فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی است. مقام معظم رهبری این مرحله را چنین توصیف می‌کنند: «قدم بعدی که از اینها دشوارتر است ایجاد دولت اسلامی است، دولت نه به معنای هیئت وزیران (بلکه به معنای) مجموعه کارگزاران حکومت، (درحقیقت) تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی است.» (۱۳۷۹/۹/۳۱)

مرحله چهارم که دشوارترین مرحله است، کشورسازی است. مقام معظم رهبری این مرحله را چنین تبیین می‌فرمایند: «بعد از این مرحله، مرحله تالکو و تشعشع نظام اسلامی

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۹۱

است، یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی، اگر این مرحله به وجود آمد، آن گاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه می شویم، لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ. «اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آن گاه مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است.» (۱۳۸۰/۹/۲۱)

بنابراین مرحله پنجم ساختن، جهانی اسلامی است. درحقیقت وقتی با مهندسی فرهنگی کشور، نظام سازی و کشورسازی صورت گرفت، جامعه سازی امکان پذیر می شود. (ناظمی، ۱۳۶۸: ۸) «در این مرحله از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظیرش در دنیا به وجود می آید.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۲۱)

براین اساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهیه طرحی جامع برای نوسازی و بازسازی زیرنظام های کشور در چارچوب هندسه عمومی جامعه یعنی قانون اساسی خواهد بود تا امکان بالفعل شدن همه قابلیت های کشور بر بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی و الهی فراهم شود.

تعریف مفاهیم پایه و اساسی مفهوم فرهنگ

مجموعه ای از باورها و اعتقادات، ارزش ها و نگرش ها، نرم ها و هنجارها که در نحوه گفتار، کردار، اعمال، استفاده از اشیاء، ابزار احساسات، دست ساخت ها و مصنوعات، جشن ها و مراسم، آداب و رسوم، مناسک و شعائر، زبان و لباس نمود و تجلی پیدا می کند و ریشه تاریخی دارد و همواره در انطباق با مسائل محیطی آموخته می شود و موجب انسجام بخشی درونی گردیده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. (فرهی، ۱۳۸۵)

مهندسی فرهنگ

مفهوم مهندسی فرهنگ ریشه در دو «مفهوم تفکر سیستمی» و «تفکر فرهنگی» دارد. تفکر سیستمی شناخت دقیق اجزاء سیستم و تعیین روابط نظام مند و منطقی بین اجزا است. در حالی که تفکر فرهنگی، به شناخت اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه های مختلف

(جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی و محصولات و مصنوعات) بستگی دارد. بر این اساس مهندسی فرهنگ یعنی شناخت دقیق تعیین روابط نظام‌مند بین اجزا و عناصر اصلی فرهنگ و چینش موزون و برقراری ارتباط منطقی بین آنها به گونه‌ای که نظام فرهنگی (در سطوح جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی و گروهی) به انجام درست کارها و انجام کارهای درست منجر شود. (فرهی، ۱۳۸۵)

در مهندسی فرهنگ کانون توجه فرهنگ جامعه است و هدف آن شناخت عمیق اجزاء، عناصر و روابط بین آنها و بازطراحی و ساخت‌دهی مجدد براساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار از آن با توجه به مجموعه مقتضیات و شرایط است. (ناظمی، ۱۳۸۵: ۲۸) در مهندسی فرهنگ روابط منطقی بین اجزا مورد تجزیه و تحلیل فرهنگی قرار می‌گیرد. در صورت مغایرت یا عدم ارتباط منطقی و موزون بین اجزا اصلی نسبت به بازمهندسی و بازطراحی آنها براساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار اقدام می‌شود.

مهندسی فرهنگی کشور

با طرح مهندسی فرهنگی کشور نظام‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه به ذهن متبادر می‌شود و اینکه کدامیک از نظام‌های چهارگانه مینا و محور طراحی و معماری سایر نظام‌ها قرار گیرد، مورد بحث قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر جامعه هنگامی از تعادل یا نظم اجتماعی برخوردار است که نظام‌های فرعی چهارگانه آن در یک تعامل پویا و سازنده دارای روابط منطقی و موزون با یکدیگر باشند. (ناظمی، ۱۳۸۵: ۲۹) از طرفی باید اذعان نمود که نظم منطقی و موزون و پایدار بین نظام‌های فرعی چهارگانه زمانی برقرار می‌شود که کارکرد نهایی دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هماهنگ با اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی، دارای حداکثر کارایی و اثربخشی باشد. (فرهی، ۱۳۸۵: ۸۶)

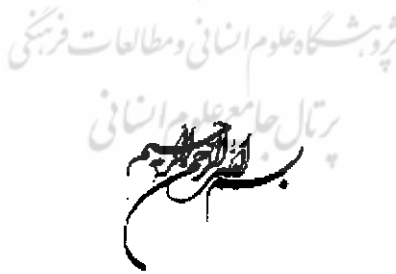
بنابراین مهندسی فرهنگی کشور مهندسی کلان نظام کشور و نظام‌ها، سازمان‌ها،

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۹۳

سیاست‌ها، قوانین و سازوکارهای مربوطه مبتنی بر اهداف فرهنگی نظام است. (ناظمی، ۱۳۸۵: ۵۰) بر این اساس مهندسی فرهنگی کشور عبارت است از فرایند بازطراحی وحدت‌بخش و هدفمند نظام فرهنگی مهندسی شده با سایر نظام‌های هم‌ارز به عنوان یک نظام یکپارچه و واحد. (رازنهان، ۱۳۸۶: ۴۳) مهندسی فرهنگی کشور نوسازی و بازسازی زیرنظام‌های کشور را در چارچوب هندسه عمومی جامعه یعنی قانون اساسی در پی خواهد داشت تا امکان بالفعل شدن همه توانایی‌های کشور، به خصوص توانایی‌های انسانی، بر بستر فرهنگ و ارزش‌های الهی و اسلامی فراهم شود.

مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

نظام مدیریت عالی (راهبردی) فرهنگی کشور به تعیین سیاست‌های کلان، تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت و انجام نظارت عالی بر فرایند انجام مهندسی فرهنگ، و مهندسی فرهنگی کشور می‌پردازد. این نظام در سه عرصه راهبردی (مدیریت عالی نظام)



نامه پژوهش فرهنگی

فصلنامه تحقیقات فرهنگی

سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸

و پیش فرض‌ها، ضرورت و اهمیت تهیه و تولید نقشه مهندسی فرهنگی کشور معلوم می‌شود:

۱. چالش‌های پیش‌روی

جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

واقعیت این است که به تبع تغییر و تحولات محیطی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فناوری و فرهنگی) جهان به سمت یکپارچگی و دهکده واحد شدن گام برمی‌دارد. از الزامات کار و زندگی در یک محیط جهانی تبعیت از قوانین، نرم‌ها و هنجارهای واحد است. از طرف دیگر سردمداران جهانی‌سازی به دنبال حذف باورها، ارزش‌ها، نرم‌ها و هنجارهای بومی، ملی و منطقه‌ای و در پی ترویج فرهنگ لیبرالیسم و جداسازی دین از عرصه فعالیت‌های اجتماعی هستند. بر این اساس یکی از چالش‌های اساسی پیش‌روی نظام مقدس جمهوری اسلامی، موضوع جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است که بایستی برای مواجهه با آن تدبیری اندیشید و این مهم از طریق تهیه و تولید نقشه مهندسی فرهنگی کشور امکان‌پذیر خواهد بود.

تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی

با فروپاشی بلوک شرق و شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی، تقابل فرهنگی غرب علیه فرهنگ اسلامی به خصوص فرهنگ شیعی، شدت گرفته است تا جایی که تئوری‌پردازان غرب همچون هانتینگتون نظریه برخورد تمدن‌های خود را مطرح ساخته‌اند. درحقیقت آشکار شدن پیوند ناگسستنی سلطه اقتصادی - سیاسی با سیطره فرهنگی سبب شدت گرفتن تقابل فرهنگ غرب با فرهنگ اسلامی شده است که مقام معظم رهبری از آن با عنوان «ناتوی فرهنگی» یاد کرده‌اند.

تغییرات شدید محیطی (تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان)

نوسانات شدید قیمت نفت بازار بورس جهانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۹۵

بسیاری از شرکت‌ها و حتی حکومت‌های محلی را با سقوط و ورشکستگی مواجه ساخته است. از طرف دیگر موج بیداری کشورهای مستضعف جهان و نهضت بیداری مسلمانان و نیز تغییر و تحولات سیاسی در عرصه بین‌الملل شرایط محیطی را بیش از هر زمان دیگر متلاطم ساخته است. لازمه بقا در چنین محیط متلاطمی برخورداری از نقشه راه و داشتن اهدافی روشن، شفاف و مشترک است که این مهم از طریق تهیه و تولید نقشه مهندسی فرهنگی کشور حاصل می‌شود.

رشد سریع فناوری (ماهواره، اینترنت، تلفن همراه، رایانه و...)

سرعت تغییرات فناورانه در عصر حاضر به حدی بالا است که میزان تغییرات در هر یک سال برابر با صد سال در ۵۰ سال پیش، برآورد می‌شود. بدیهی است که ورود فناوری‌های جدید در زندگی کاری و اجتماعی انسان‌ها با خود نرم‌ها و هنجارهای رفتاری خاص را می‌آورد که خیلی سریع تبدیل به ارزش‌هایی می‌شود که ممکن است با ارزش‌های فرهنگی جامعه ما همخوانی نداشته باشد.

عملیات روانی و تبلیغات شدید دشمنان اسلام علیه حکومت جمهوری اسلامی

با توجه به اینکه بیش از ۹۸ درصد مکانیسم‌های تبلیغاتی جهان مثل رادیو و تلویزیون و سایت‌های خبری و تبلیغاتی جهان تحت کنترل و نفوذ صهیونیسم جهانی است، عملیات روانی و تبلیغات علیه اسلام و حکومت جمهوری اسلامی، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. این در حالی است که عامه مردم و حتی بعضی دولتمردان نسبت به این میزان از تبلیغات مسموم ناآگاه هستند.

۲. ملاحظات و واقعیات موجود

دل خوش داشتن به داشته‌های قبلی و تجربیات پیشینیان

واقعیت این است که در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، به دلیل برخورداری از

۹۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

سابقه تاریخی چندین هزارساله، دل خوش داشتن به داشته‌های قبلی در سطوح مختلف جامعه یک سنت متداول است. در حالی که جهان با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تحول و دگرگونی است و تجربیات گذشته کارایی خود را در مواجهه با مسائل جدید از دست داده‌اند.

نبود تفکر سیستمی و جامع‌نگر به مسائل

واقعیات موجود در کشور گویای آن است که هر یک از بخش‌های کشور به تنهایی در فکر توسعه و تکامل خویش است، غافل از اینکه توسعه و پیشرفت در یک نظام اجتماعی زمانی کامل خواهد بود که همه بخش‌ها با هم توسعه یابند. این واقعیت ناشی از تفکر بخشی‌نگری و غفلت از جامع‌نگری و نداشتن تفکر سیستمی است.

نبود تفکر آینده‌نگر و راهبردی در مسئولان کشور

گرفتاری شدید مسئولان اجرایی کشور پاسخگویی نسبت به مسائل و مشکلات روزمره مردم است که گاه بیش از ۹۰ درصد از ظرفیت ذهنی مسئولان را به خود مشغول می‌دارد. بدیهی است که درگیری در مسائل روزمره موجب غفلت از مسائل آینده و تفکر راهبردی می‌شود.

وجود باورهای نادرست، ارزش‌های ناشایست و آموزه‌های غلط

فرهنگ مردم ایران طی سالیان دراز متأثر از فرهنگ‌های مختلف مهاجم بوده است، به همین دلیل فرهنگ امروز ایرانیان متشکل از سه نوع فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است. هر یک از این گونه‌های فرهنگی در برهه‌ای از زمان (به تبع نظام حاکم بر کشور) فرهنگ غالب مردم ایران شده است. بدیهی است که بسیاری از باورهای نادرست، ارزش‌های ناصواب و آموزه‌های غلط که در طول سالیان دراز وارد فرهنگ کشور ما شده نیاز به بازنگری و واکاوی و مهندسی مجدد دارد.

بی‌توجهی سازمان‌ها، افراد و آحاد مردم نسبت به آلودگی محیط زیست فرهنگی

واقعیت این است که فرهنگ، محیط زیست انسانی را تشکیل می‌دهد و همه انسان‌ها، سازمان‌ها و جوامع در محیط زیست فرهنگی زندگی می‌کنند که هم از آن تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. باید اذعان داشت که سازمان‌ها، جوامع و انسان‌ها علی‌رغم اینکه در این محیط زیست (مثل موجودات زنده در آب اقیانوس) تنفس می‌کنند ولی نسبت به اثرگذاری و حتی آلوده کردن آن غافل، بی‌توجه و غیرحساسند.

حساس نبودن بخش‌های مختلف اجتماع نسبت به تخریب ارزش‌های فرهنگی

تفکر فردگرایی و بخشی‌نگری در واحدهای مختلف اجتماع و سودجویی و منفعت‌طلبی در بین انسان‌ها باعث شده که هرکس تنها به فکر تولید محصول و یا خدمت خود و عرضه آن به جامعه باشد، بدون توجه به اینکه ممکن است محصول یا مصنوع او موجب تخریب ارزش‌های فرهنگی جامعه شود. نمونه‌های بسیار زیادی از تولید انواع لباس، پوشاک، وسائل و لوازم مصرفی و اسباب‌بازی گویای حساس نبودن بخش‌های مختلف جامعه نسبت به تخریب ارزش‌های فرهنگی است.

با ملاحظه چالش‌ها و واقعیات پیش‌روی، ضرورت پرداختن به موضوع فرهنگ جامعه با رویکرد سیستمی یک الزام قطعی است. بر این اساس فرهنگ به مثابه یک سیستم اجتماعی فرض می‌شود که دارای اجزا و عناصری است که دارای روابط منطقی و موزون با یکدیگرند. تلاش بر آن است که سیستم اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه‌های مختلف به خوبی شناسایی شود و نسبت به هر محصول یا مصنوع یا خدمت با رویکرد مهندسی فرهنگی، ساختارها و سازمان‌های تولیدکننده آن مورد بازنگری قرار گیرد و در یک نگاه راهبردی، مدیریت عالی نظام در جهت هماهنگی بین اجزا و عناصر ساختارها و کارکردها، ایفای نقش نماید.

۳. پیش فرض ها

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی

درحقیقت انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در جهت احیای ارزش ها و باورهای دینی در الگوهای رفتاری مردم مسلمان به وقوع پیوست و این مهم با خون فرزندان این مرز و بوم در ۸ سال جنگ آبیاری شد و بدین ترتیب ارزش های اصیل اسلامی در رگ و پوست و جان آحاد ملت مسلمان نهادینه شده است.

وجه تمیز ایران

وجه ممیزه کشور جمهوری اسلامی ایران، نسبت به سایر کشورها، پایمردی و ایستادگی و اصرار بر هویت دینی - اسلامی آن است. حراست و پاسداری از ارزش های اصیل اسلامی - دینی مستلزم داشتن تفکر مهندسی - سیستمی نسبت به فرهنگ و قابل مدیریت دانستن فرهنگ با رویکرد راهبردی است.

بر این اساس تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور با رویکرد سیستمی و حساس نمودن کل کشور نسبت به محیط زیست فرهنگی (برای پالایش هر نوع آلودگی) یک الزام قطعی است.

متدلوژی تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور

تعاریف متعددی از متدلوژی وجود دارد. تعریف منتخب عبارت است از مجموعه ای از روش ها، فنون و ابزارهای تحلیل و طراحی سیستم که در چارچوب یک انگاره مدل سازی مبتنی بر الگوی مفهومی برای ساماندهی روند توسعه سیستم ها به روشی نظام مند به کار بسته می شود. مدل سازی این الگوی مفهومی برای فرایند تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور از ویژگی های زیر برخوردار است:

رویکرد مدل: استراتژیک، آینده نگر، و کنترل کلاسیک و در یک کلام تلفیقی است.

تفکر مدل: سیستمی، پویا، متحول و آینده نگر است.

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۹۹

سازگاری مدل: ساختار، اجزا و روابط مدل از انسجام و سازگاری و منطق علمی برخوردار است.

ابعاد مدل: براساس رویکرد تلفیقی با بهره‌گیری از مکتب مدیریت راهبردی در سطح ملی طراحی می‌شود.

روش تحلیل در فرایند مدل: ساختاریافته علمی و نیمه‌ساختاریافته با بهره‌گیری از قوه خلاقیت و شهود

واقع‌گرایی: در طراحی مدل هم به وضعیت موجود، هم وضعیت هدف و هم وضعیت آرمانی توجه می‌شود.

انعطاف‌پذیری: به پویایی، انعطاف‌پذیری اجزاء، فنون، ابزارها و چگونگی کاربرد آنها در ساختار مدل توجه می‌شود.

آرمان‌ها و ارزش‌ها: عمده‌ترین عامل در طراحی نقشه مهندسی فرهنگی کشور آرمان‌ها و ارزش‌های اصیل اسلامی است.

بازنگری و اصلاح: بایستی بازنگری و اصلاح در روند کار صورت گیرد.

نیازها و آرمان‌ها: به اولویت نیازها و آرمان‌ها و تأثیر آرمان‌ها بر نیازها در محیط متلاطم، پیچیده، نامطمئن و رقابتی توجه می‌شود.

توازن مدل: بین آرمان‌ها، نیازها و منابع جامعه در فرایند تحلیلی مدل توجه می‌شود.

معرفی مدل ساختار ایستای تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور

یکی از روش‌های متداول برای تعیین جهت‌گیری‌های اساسی هر سازمان و بنگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی بهره‌گیری از رویکردها، مدل‌ها، روش‌ها، و تکنیک‌های مدیریت استراتژیک است. چنانچه بخواهیم چشم‌انداز یک بنگاه را برای افق بلندمدت مثلاً ۲۰ ساله تعیین کنیم، عمدتاً با بهره‌گیری از تکنیک‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، ضمن تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای پیش‌روی نسبت به ترسیم

افق چشم‌انداز و نیز هدف‌های بلندمدت و راه‌های دستیابی به آن اقدام می‌شود. این مسیر دارای فرایندی شناخته شده و قابل اجرا در سازمان‌هاست.

اما هرگاه بخواهیم یک موضوع، مفهوم یا پدیده اجتماعی را بررسی کنیم که تعداد زیادی سازمان یا بنگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی دخیل در آن هستند دیگر رویکرد مدیریت راهبردی به تنهایی قادر به پاسخگویی به مسئله نیست، بلکه بایستی با بهره‌گیری از تکنیک‌ها، مدل‌ها و الگوهای مختلف نسبت به تعیین جهت‌گیری‌های اساسی آن اقدام کرد. صاحب‌نظران مختلف براین باورند که باید در مرحله نخست موضوع مورد بحث در کانون تقاطع قرار گیرد و تعامل آن با کلیه دستگاه‌ها، بنگاه‌ها و سازمان‌ها معلوم شود. در حقیقت باید سهم تمامی نهادها، مؤسسات، سازمان‌ها و بنگاه‌های مؤثر در آن مشخص شود. بنابراین رویکرد غالب در تنظیم رابطه بین دستگاه‌ها و تعیین وظیفه هر دستگاه با بهره‌گیری از مدل‌های ساختاری و از طریق تقسیم کار ملی بین سازمان‌های مختلف ممکن می‌شود. مدل ساختار ایستای تبیین فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور، از جمله مدل‌های سودمند جهت انجام این معناست.

بر اساس این مدل سه فعالیت اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور به شرح زیر است:

۱. شناسایی، پژوهش و تعیین ماهیت و چیستی فرهنگ
 ۲. تبیین و توصیف و تشریح ماهیت و چیستی فرهنگ
 ۳. ترویج و نهادینه‌سازی ماهیت و چیستی فرهنگ
- این فعالیت‌ها در هسته مرکزی مدل قرار می‌گیرد و سایر فعالیت‌ها حول آن ساماندهی می‌شود. درحقیقت اصلی‌ترین کار مهندسی فرهنگی کشور انجام پژوهش و شناخت ماهیت و چیستی فرهنگ، در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگی برای وضعیت‌های مختلف (موجود، هدف و آرمانی)، خواهد بود که در اصطلاح «مهندسی فرهنگ» نامیده می‌شود.

پس از آنکه مهندسی فرهنگ صورت گرفت نوبت به انجام «مهندسی فرهنگی» کشور

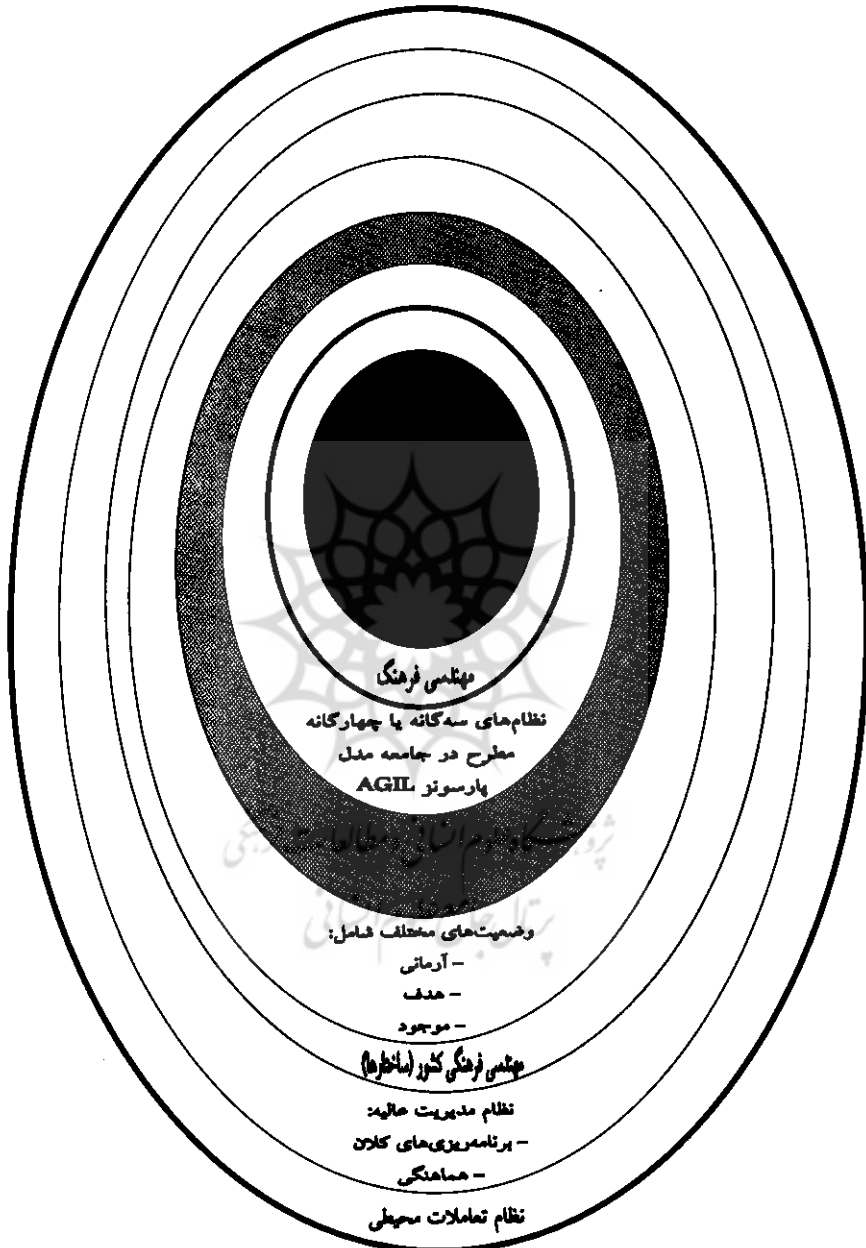
روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۱۰۱

می‌رسد که با مهندسی فرهنگی مصنوعات و محصولات (یا مهندسی ساختارها) شروع می‌شود و سپس به مهندسی سازمان‌ها، مهندسی استان‌ها، مهندسی کشور (سطح ملی) و مهندسی جهان ختم خواهد شد.

بدیهی است که انجام چنین کار بزرگی تنها در سایه ساماندهی دقیق دستگاه‌ها و سازمان‌ها و تقسیم کار ملی و تنظیم تعاملات فی‌مابین نهادها، مؤسسات و سازمان‌های مرتبط شدنی است. بدین معنا که با تعیین نهادها و یا جانمایی سازمان‌ها و تشکیلات عرصه راهبردی و یا پشتیبانی و یا اجرایی نظام چشم‌انداز ساختاری نحوه تعیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور معلوم می‌شود.

در بیرونی‌ترین لایه مدل تنظیم تعاملات محیطی آورده شده است که به موضوع ارتباطات هم در رده سیستمی و هم فراسیستمی توجه دارد. بدین معنا که هم باید ارتباطات بخش‌های مختلف با یکدیگر به خوبی تعریف شوند و هم ارتباطات و تعاملات کل نقشه مهندسی فرهنگی کشور با کلیه عوامل محیطی بیرون از کشور اعم از محیط جهان اسلام و یا محیط بین‌الملل به خوبی تعریف شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۱. مدل ساختار ایستای تبیین فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور (فرهی، ۱۳۸۶)

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۱۰۳



شکل شماره ۲. مدل مهندسی فرهنگی ساختارها (ناظمی، ۱۳۸۶)

فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور

رویکرد فرایندی به انجام هر کار فهم آن را آسان‌تر می‌سازد. اصلی‌ترین فعالیت‌هایی که در نقشه مهندسی فرهنگی مطرح است با رویکرد فرایندی عبارت است از:

الف) شناسایی تعیین و پژوهش

فرهنگ یکی از پیچیده‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که حالت احاطه‌کنندگی و دربرگیرندگی سایر ابعاد و اجزاء نظام اجتماعی را دارد. درحقیقت فرهنگ به مثابه محیط زیستی است که بر نحوه تفکر، رفتار، ساختار و قواعد یک جامعه تأثیر شگرف می‌گذارد و از دامنه وسیعی در سطوح و لایه‌های مختلف اجتماع (از سطح گروه تا سطح سازمان، حرفه، ملی و فراملی) برخوردار است.

شناخت ماهیت و چیستی فرهنگ در سطوح و لایه‌های مختلف با رویکرد سیستمی به معنای فهم دقیق اجزاء، عناصر، صفات و روابط فی‌مابین آنهاست. منظور از شناخت اجزای فرهنگ شناسایی عناصر و قسمت‌هایی است که یک فرهنگ را تشکیل می‌دهد. این اجزای شامل نظام باورها و اعتقادات، نظام ارزش‌ها و هنجارها و شناخت نظام رفتارها و مصنوعات است که می‌تواند در یک راستا و هماهنگ باشند و یا نباشند. منظور از روابط بین اجزاء فرهنگ، همان چیزی است که اجزای سیستم فرهنگ را به هم پیوند می‌دهد. درحقیقت این روابط هستند که به سیستم فرهنگ به عنوان یک مجموعه مرتبط و هماهنگ مفهوم و معنا می‌بخشند. (فرهی، ۱۳۷۷: ۲۷). از آنجا که ویژگی‌های سیستم از کنش متقابل اجزای آن حاصل می‌شود و نه از کنش مستقل، لذا هرگاه عملکرد بعضی از اجزای یک سیستم مستقل از اجزای دیگر بهبود پیدا کند، لزوماً عملکرد کل سیستم بهبود نخواهد یافت.

بنابراین منظور از شناسایی و پژوهش، شناخت ماهیت چیستی اجزاء، صفات و روابط فی‌مابین نظام باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها و رفتارها و مصنوعات در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه برای انجام مهندسی فرهنگ است.

ب) تبیین فرهنگ

عمده‌ترین وظیفه دستگاه‌های فرهنگی تبیین و آموزش فرهنگ هدف است. تبیین فرهنگ به این معناست که ماهیت و چیستی فرهنگ بعد از شناسایی اندیشمندان و فرهنگ‌شناسان، از طریق آموزش و تبلیغ به ذهن آحاد جامعه (در سطوح مختلف) منتقل شود تا از طریق فرایند جامعه‌پذیری زمینه‌های ترویج فرهنگ هدف فراهم شود.

در این فرایند دستگاه‌های فرهنگی کشور مسئولیت تبیین فرهنگ هدف را در جامعه برعهده دارند. بدیهی است که همان‌طور که شناخت فرهنگ در سطوح و لایه‌های مختلف و متناظر با وضعیت‌های مختلف (موجود، هدف و آرمانی) انجام می‌پذیرد، مرحله تبیین فرهنگ نیز معطوف به وضعیت‌های مختلف در سطوح و لایه‌های مختلف است. تبیین فرهنگ موجود، در کنار تبیین فرهنگ هدف، آحاد افراد جامعه به خصوص مدیران و شکل‌دهندگان به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به میزان شکاف بین وضعیت موجود و هدف متوجه می‌کند و زمینه‌های تغییر و تحول را فراهم می‌سازد.

تبیین فرهنگ آرمانی، گرچه برای جامعه لازم است، ولی کافی نیست. آن چیزی که باید تبیین شود فرهنگ هدف است که آحاد جامعه در جهت دستیابی به آن در بازه زمانی معین تلاش کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ج) ترویج فرهنگ

پس از آنکه ذهنیت مشترک نسبت به فرهنگ هدف در بین آحاد مردم پدید آمد بایستی الزامات لازم جهت جاری شدن آن در مجاری کشور فراهم شود. بایستی مدیران کشور آن را در قالب اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها، ساختارها، قوانین، مقررات، روش‌ها، رویه‌ها و دستورالعمل‌ها جاری سازند و مجریان بخش‌های مختلف اعم از خصوصی و دولتی آن را در تولید محصولات، مصنوعات و انواع رفتارهای خدمتی خود به کارگیرند.

بنابراین ترویج فرهنگ هدف از طریق شکل‌گیری لایه‌های نمادین فرهنگ با تولید

۱۰۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

محصولات و نمادها، مصنوعات و رفتارها صورت عینی به خود می‌گیرد و این امر در کلیه دستگاه‌های مستقر در نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ساری و جاری می‌شود.

مهندسی فرهنگ کشور

همان‌طور که پیشتر گفته شد مهندسی فرهنگ یعنی طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ. درحقیقت هر سه فعالیت اصلی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور باید با رویکرد سیستمی بازآفرینی شود و شکل عینی به خود بگیرد.

نظام‌های چهارگانه اجتماعی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور

در نظریه عمومی کنش، نظام اجتماعی در سطح جامعه کل به عنوان «نظام جامعه‌ای» تعریف می‌شود. این نظام خود از چهار نظام فرعی تشکیل می‌شود که عبارتند از نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. هر یک از این نظام‌ها کارکرد مخصوص خود را دارد که در واژه ابداعی (AGIL)^۱ خلاصه می‌شود.

واقعیت این است که در نظام مدیریتی کلان جامعه دستگاه‌ها و ذیل نظام فرهنگی، یا ذیل نظام اقتصادی یا اجتماعی و یا سیاسی ساماندهی شده‌اند.

در مهندسی فرهنگی کشور به دنبال ایجاد نظم و جهت‌گیری و انسجام واحد بین دستگاه‌های کشور هستیم. اگر امروزه دستگاه‌های کشور به گونه‌ای طراحی شده‌اند که از جهت‌گیری‌های واحد و انسجام و یکپارچگی خبری نیست به دلیل نبود تفکر مهندسی فرهنگی در هماهنگی بین نظام‌ها و دستگاه‌های ذیل هر نظام است.

بر این اساس مجموعه دستگاه‌های کشور را براساس کارکردهای مشترک به چهار زیرمجموعه تقسیم می‌کنند.

جدول ۱. مبادله بین نظام جامعه و شخصیت

نظام	دستگاه‌های زیرمجموعه	کارکرد اصلی	سازنده	هنجار اجرا
اقتصادی	وزارت اقتصاد و دارایی و...	انطباق‌پذیری	احساس بهبود و آسایش	تلاش و کارآمدی
سیاسی	وزارت کشور و...	کسب هدف	احساس عدالت، آزادی و امنیت	قانونمندی
اجتماعی	وزارت کار و تامین اجتماعی	همبستگی و یکپارچگی	احساس همبستگی اجتماعی	وفاداری به ارزش‌های اجتماع
فرهنگی	وزارت فرهنگ، علوم، آموزش و پرورش و...	مشروعیت نظام	احساس عزت فردی	فطرت‌گرایی

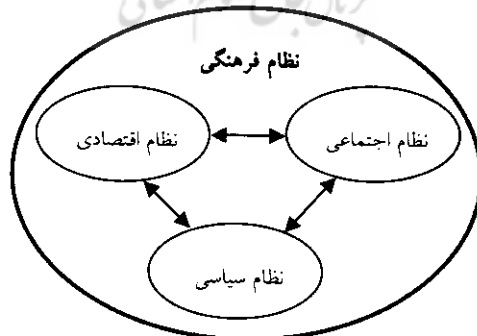
از آنجا که فرهنگ در مکتب اسلام نقش اساسی و محوری ایفا می‌کند، نظام فرهنگی را باید به عنوان نظام محوری نسبت به سایر نظام‌ها در نظر گرفت. بر این اساس گام‌های زیر در مهندسی فرهنگی کشور به تبع چهار نظام صورت می‌گیرد:

۱. مهندسی فرهنگی نظام سیاسی کشور

۲. مهندسی فرهنگی نظام اجتماعی کشور

۳. مهندسی فرهنگی نظام اقتصادی کشور

۴. مهندسی فرهنگی نظام فرهنگی کشور



شکل شماره ۳. نظام‌های چهارگانه و نسبت بین آنها در نقشه مهندسی فرهنگی

۱۰۸ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

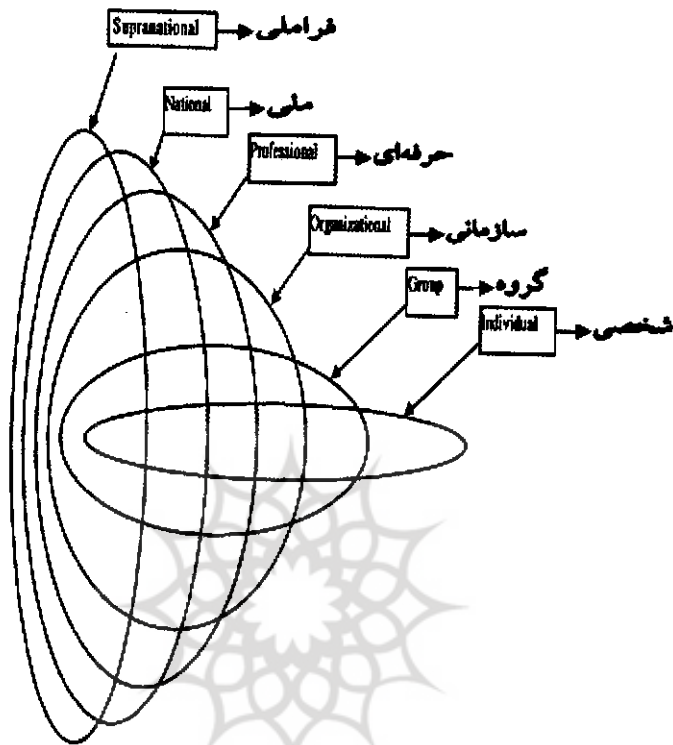
سطوح مختلف فرهنگ در مهندسی فرهنگی کشور

صاحب‌نظران فرهنگ را در چند سطح تعریف کرده‌اند. جدول شماره ۲ سطوح مختلف فرهنگ را همراه با تعریف هر سطحی از آن نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. سطوح مختلف فرهنگ (فرهی، ۱۳۸۵)

سطح	تعریف
فراملی:	هر نوع تمایزی که مرزهای ملی را درمی‌نوردد یا در بیش از یک ملیت وجود دارد شامل:
منطقه	متعلق به گروهی از مردم بوده که در حوزه جغرافیایی واحدی زندگی می‌کنند.
نژاد	متعلق به گروهی از مردم بوده که دارای ویژگی‌های شخصیتی مشترک و متمایز هستند.
مذهب	متعلق به گروهی از مردم بوده که در آیین آسمانی خاصی مشترک بوده و آنها را از سایر اقوام متمایز می‌کند.
زبان	متعلق به گروهی از مردم بوده که به زبان واحدی صحبت می‌کنند.
ملی	ویژگی‌های جمعی که به شهروندان یک کشور نسبت داده می‌شود.
حرفه‌ای	تمرکز روی تمایز بین وفاداری به سازمانی که افراد در آن مشغول هستند در مقابل وفاداری به صنعت مربوطه (گلندر، ۱۹۵۷)
سازمانی	چسب اجتماعی و هنجاری که سازمان را یکپارچه می‌سازد. (سهیل و مارتین، ۱۹۹۰)
گروه	تمایزات فرهنگی که بین یک گروه واحد، یک کارگروه یا هر جمعی از افراد که در سطحی پایین‌تر از سازمان با یکدیگر کار می‌کنند.

بدیهی است که سطوح مختلف فرهنگ وابستگی درونی (ذاتی) نسبت به یکدیگر دارند. به طوری که فرد در درون گروه، گروه در درون سازمان، سازمان در درون حرفه، حرفه در درون ملت و ملت در درون منطقه، نژاد، مذهب و زبان قرار گرفته و از آن تأثیر می‌پذیرند.



شکل شماره ۴. درهم تنیدگی سطوح فرهنگ (کاراها‌نه اوراسیو و سرایت، ۱۹۹۸)

علاوه بر این دسته‌بندی‌ها در نقشه مهندسی فرهنگی کشور از دو سطح دیگر با عنوان فرهنگ عمومی و فرهنگ تخصصی یاد می‌شود.

فرهنگ عمومی

ظهور و بروز فرهنگ ملی در شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی معین که در شکل نگرش‌های مردم قابل اندازه‌گیری است، فرهنگ عمومی نامیده می‌شود. درحقیقت جو و فضای حاکم بر جامعه در برهه‌های مختلف زمانی و مکانی، فرهنگ رایج و متداول در جامعه را نشان می‌دهد که از آن به فرهنگ عمومی یاد می‌کنند.

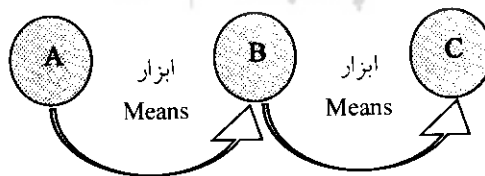
فرهنگ تخصصی

در این نوشتار فرهنگ تخصصی به فرهنگ هر یک از نظام‌های چهارگانه گفته می‌شود. درحقیقت به فرهنگ مجموعه انسان‌های جامعه، که در سازمان‌های مختلف مشغول فعالیت هستند، فرهنگ تخصصی اقتصادی، فرهنگ تخصصی اجتماعی، فرهنگ تخصصی سیاسی و فرهنگ تخصصی فرهنگی گفته می‌شود. در فرهنگ اقتصادی تعامل انسان با طبیعت، در فرهنگ اجتماعی تعامل انسان‌ها با یکدیگر، در فرهنگ سیاسی رابطه جوامع و کشورها و احزاب و کسانی که در پی کسب قدرت و مقام هستند، و در فرهنگ فرهنگی رابطه فرد با خود و خدا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

وضعیت (موجود، هدف، آرمانی) نقشه مهندسی فرهنگی کشور

هر جامعه و یا سازمانی را می‌توان در سه وضعیت مورد بررسی و تحلیل قرار داد: وضعیت موجود، وضعیت هدف و وضعیت مطلوب (چشم‌انداز). برای حرکت به سمت آینده همواره باید دو مقصد (Ends) و دو مسیر یا ابزار (Means) را تعیین کنیم. مقصد و وضعیت مناسب یا هدف و مقصد وضعیت مطلوب یا آرمانی. ابزار دستیابی به مقاصد آرمانی استراتژی، و ابزار دستیابی به مقاصد مناسب، سیاست نام دارد.

وضعیت موجود → وضعیت مناسب (هدف) → وضعیت مطلوب



شکل شماره ۵. وضعیت‌های مورد بررسی (موجود، هدف و آرمانی)

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۱۱۱

الف) فرهنگ موجود: فرهنگی است که محیط زیست انسانی امروز جامعه را نشان می‌دهد. گاهی آن را فرهنگ معمول نیز می‌نامند. امروزه شناخت فرهنگ موجود با بهره‌گیری از ابزارهایی از قبیل نیمرخ فرهنگی توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روانشناسی اجتماعی و مدیریت امکان‌پذیر است.

ب) فرهنگ هدف: در فرهنگ هدف بیشتر اهداف و مقاصدی تعیین می‌شود که با امکانات موجود و توانمندی بالقوه می‌توان ظرف زمانی مشخص (مثلاً پنج سال) کسب کرد. به عبارت دیگر، فرهنگ هدف آن فرهنگی است که، در بازه زمانی مشخص، در مسیر انتقال از فرهنگ موجود به فرهنگ آرمانی می‌توان بدان دست یافت. (ناظمی، ۱۳۸۶: ۶۹)

ج) فرهنگ مطلوب (آرمانی): تبیین فرهنگ مطلوب و آرمانی تضمینی فراهم می‌سازد تا هنگام رسیدن به وضعیت مناسب به سمت جلو حرکت کنیم، نه اینکه دور خود بچرخیم یا به عقب برگردیم. (ازگلی و فرهی، ۱۳۷۷: ۶۲) فرهنگ آرمانی آن فرهنگی است که محیط زیست آرمانی انسان را در مدینه فاضله خواهد ساخت. این فرهنگ دارای ویژگی‌هایی است که محیط زیست انسانی را بدون هرگونه آلودگی و ضعف و تمارض می‌سازد و انسان در آن با آرامش و آسایش لازم، که مناسب با طبیعت و فطرت انسانی است، زیست خواهد کرد.

مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

نظام مدیریت عالی کشور به معنای تعیین سیاست‌های کلان، تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت عالی و انجام نظارت عالی بر فرایند انجام مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور است. نظام مدیریت راهبردی فرهنگ کشور در سه سطح راهبردی، پشتیبانی و اجرایی تعریف می‌شود.

جدول شماره ۳. نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

حوزه مدیریتی	وظایف و مأموریت	نظامات	لایه‌های فرهنگ	ماهیت فرهنگ	توضیح
راهبردی	- سیاست‌گذاری - هدایت عالی - نظارت عالی - تدوین - برنامه‌های راهبردی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	ترکیب سه مفهوم مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی چارچوب مستحکمی را برای تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور فراهم آورده است.
پشتیبانی	- تخصیص منابع - تدوین نظامات: - مالی - قانونی - تدارکاتی - انسانی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	- - - - -
اجرایی	- اجرای برنامه‌ها - تهیه برنامه - عملیاتی - ارزیابی - ارائه گزارش	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	- - - - -

اصول و مبانی حاکم بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور

منظور از اصول و مبانی حاکم اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و باید و نبایدهایی است که در ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور در همه اجزا و عناصر آن تجلی خواهد یافت. با توجه به اهداف متعالی و آرمان‌های بلند حکومت جهانی اسلامی برخی از اصول ناظر بر تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور عبارتند از:

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۱۱۳

- مبنا قراردادن فرهنگ به عنوان زیرساخت و بستر هرگونه برنامه عمومی و توسعه‌ای
- محوریت قرآن و سنت و تأکید بر ارزش‌های دینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در برنامه‌های توسعه‌ای کوتاه و بلندمدت
- مبنا قراردادن تفکر و نگرش فطرت‌گرایی در مقابل تفکر طبیعت‌گرایی (به عبارت دیگر نظام فرهنگی با محوریت نگرش فطرت‌گرایی، محور اساسی توسعه و تحول در نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد).
- توسعه اخلاق اجتماعی و نهادینه‌سازی آن در گستره کشور

نظام تعاملات محیطی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور

این حوزه شامل محیط داخلی دولت و نظام جمهوری اسلامی، محیط داخلی کشور و محیط بین‌الملل است.

محیط داخلی شامل نهاد رهبری، دولت قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه و کلیه سازمان‌ها و دستگاه‌های مدیریت‌شونده کشور است. محیط داخلی کشور، شامل محیط عمومی کشور، سازمان‌ها و دستگاه‌های خصوصی و غیردولتی است که غیرمستقیم تحت تأثیر تصمیمات نظام مدیریتی کشور است.

محیط خارجی شامل کشورهای مسلمان، منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و سایر کشورهای جهان است که محیط بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.



شکل شماره ۶. نظام تعاملات محیطی بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله در ابتدا پنج مرحله شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ساخت نظام اسلامی، دولت‌سازی، ایجاد کشور اسلامی و در نهایت ساخت جهان اسلامی، با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری، تبیین شد. سپس برخی از مفاهیم اساسی و پایه، از جمله مفهوم فرهنگ، مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی کشور و مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، تعریف شد. برای تبیین ضرورت و اهمیت تهیه و تولید نقشه مهندسی فرهنگی کشور عمده‌ترین

چالش‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی (جهانی شدن و جهانی سازی، ناتوی فرهنگی یا تهاجم فرهنگی، تغییرات شدید محیطی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، رشد سریع فناوری و عملیات روانی) و مهم‌ترین ملاحظات، واقعیات و پیش فرض‌ها (دل خوش داشتن به داشته‌های قبلی، عدم تفکر سیستمی و جامع‌نگر نسبت به مسائل، نداشتن تفکر راهبردی، وجود باورهای نادرست و بی‌توجهی نسبت به آلوده نمودن محیط زیست فرهنگی) تشریح شد.

در بخش سوم مقاله مدل فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی کشور مشتمل بر نخست شناسایی، پژوهش و تعیین ماهیت و چیستی فرهنگی، دوم تبیین، توصیف و شرح ماهیت چیستی فرهنگ و سوم، ترویج و نهادینه‌سازی ماهیت و چیستی فرهنگ است. این سه فعالیت، در هسته مرکزی مدل قرار می‌گیرد، مهندسی فرهنگ نامیده می‌شود. پس از مهندسی فرهنگ مهندسی فرهنگی کشور که مهندسی ساختارها، سازمان‌ها، استان‌ها، کشور و جهان بر مبنای فرهنگ مهندسی شده صورت می‌گیرد. بدیهی است که انجام چنین کار بزرگی مستلزم ساماندهی دستگاه‌ها و سازمان‌ها و تقسیم کار ملی و تنظیم تعاملات محیطی بین آنها است.

سطوح مختلف فرهنگ (گروه، سازمان، حرفه، ملی و فراملی) و وضعیت‌های مورد بررسی (موجود، هدف و آرمانی) در نقشه مهندسی فرهنگی کشور از جمله موضوعات اساسی در روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگ است که در این مقاله تشریح شده است.

منابع و مأخذ

- تافلر، الوین، (۱۳۸۳)، شوک آینده، ترجمه شهیندخت خوارزمی و حشمت الله کامرانی، نشر علم.
- رازنهان، فیروز، (زمستان ۱۳۸۵)، «مهندسی فرهنگی کشور: پیش شرط تحقق سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی سند چشم انداز، ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها.
- فرهی بوزنجانی و همکاران، (۱۳۸۴)، نظام جامع توسعه فرهنگ عمومی (اخلاق اجتماعی)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای فرهنگ عمومی.
- فرهی بوزنجانی، برزو، (۱۳۷۷)، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها، انتشارات معاونت آموزشی دانشگاه امام حسین (ع).
- _____، (زمستان ۱۳۸۵)، «تعامل سند چشم‌انداز نظام با نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند‌های نظام جامع توسعه»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴، ظرفیت‌ها و بایستگی، چالش‌ها و فرصت‌ها.
- _____، (پاییز ۱۳۸۵)، «فرهنگ سازمانی و استانداردسازی رفتار»، همایش استانداردسازی رفتار پلیس.

روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور ■ ۱۱۷

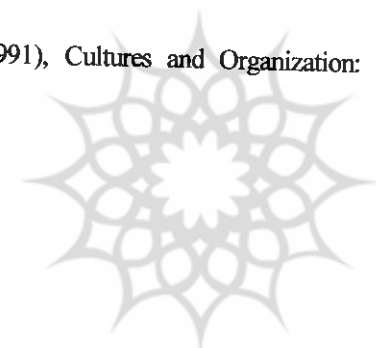
- فقیه، هادی، (تابستان ۱۳۸۶)، «روش‌شناسی تهیه و تولید نظام جامع توسعه»، جزوه منتشره نشده.

- مبینی دهکردی، علی، (زمستان ۱۳۸۵)، «متدولوژی تدوین و الگوهای اجرایی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی سند چشم‌انداز، ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها.

- ناظمی، مهدی، (۱۳۸۵)، تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مهندسی فرهنگی کشور، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- _____، (۱۳۸۶)، «مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کرد». جزوه منتشر نشده.

- Hofstede, G, (1991), Cultures and Organization: Software of the Mind, McGraw Hill.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی